

به نام خدا

نکته: اشکال مرحوم تبریزی

این بحث از تعریف انقلاب فایده ای ندارد چون ما می‌خواهیم حکم طهارت بعضی از اشیا را بیان کنیم و نیازی به معنای انقلاب نداریم. اگر روایاتی داشته باشیم که سرکه را پاک دانسته است حکم به طهارت آن می‌کنیم و اگر دلیل بر طهارتش نداشته باشیم نمی‌توانیم حکم به طهارتش کنیم پس بحث از تعریف انقلاب بی فائده است

جواب استاد

این بیان در واقع درست است؛ ولی فقها برای این‌که به صورت یک امر جامع آن را بیان کنند تا برای مکلف آسان شود این بحث را مطرح نموده‌اند.

مقام دوم: اصل تشریع مطهریت انقلاب

واضح است که به صورت موجه جزئیة مطهریت انقلاب تشریع شده است و برای اثبات آن کافی است یک مصداق برای انقلاب یافته شود. مصداقی که قطعاً برای انقلاب ثابت است و شکی در طهارت آن نیست، انقلاب خمر به سرکه است و همین یک مصداق برای اثبات اصل تشریع آن کفایت می‌کند.

مقام سوم: آن‌چه با انقلاب تطهیر می‌شود

مجموع مواردی که با انقلاب پاک می‌شوند و در کلمات فقها^[1] آمده است، هشت مورد است:

1. سرکه‌ای که از خمر منقلب شده است؛ بعضی آن را مورد منحصر و برخی آن را اظهر مصادیق انقلاب دانسته‌اند.
2. هر چیزی که از خمر منقلب می‌شود هر چند سرکه نباشد؛^[2] مثلاً اگر از خمر دارویی گرفته شود که منقلب از آن است و دیگر صفات آن را ندارد پاک است. بزرگانی مثل محقق خوئی هر شیء طاهری که فی نفسه طاهر باشد و از خمر منقلب شده باشد طاهر است.
3. سرکه‌ای که از مسکری منقلب شده باشد هر چند خمر نباشد؛^[3] مثلاً الکل را که مسکر است با یک ماده شیمیایی با یک خصوصیتی به سرکه منقلب کنند. محقق خوئی و محقق همدانی و... قائل به آن هستند.
4. هر مسکری که تبدیل به چیز دیگری شد که ذاتاً دلیل بر نجاستش نداشته باشیم هر چند سرکه نباشد؛ فرقی در این مورد نیست بین این‌که دلیل بر طهارتش داشته باشیم یا قاعده طهارت در آن جاری شود. قائل به آن محقق خوئی است.
5. سرکه منقلب از عصیر انگور پس از غلیان قبل از ثلثان شدن؛^[4] که بنا بر نظر بسیاری از فقها^[5] نجس است. صاحب جواهر و دیگران به آن قائلند. مرحوم بحر العلوم^[6] در این مورد آورده است:

والخمر و العصير إن تخلا فبانقلاب طهرا و حلاً

1. سرکه منقلب از فقاغ^[7] بنا بر موضوعیت آن در نجاست؛ ولی اگر قائل به اسکار فقاغ باشیم داخل در موارد قبل می‌شود.
2. شیر منقلب از عصیر جوشیده قبل از ثلثان شدن^[8]؛
3. چرک منقلب از خون^[9]؛ مرحوم سبزواری در مهذب الاحکام^[10] قائل به آن است.

این هشت مورد بنا بر تعاریفی است که در آنها ملازم بودن منقلب الیه با عامل تنجیس قید شده بود؛ ولی محتمل است گفته شود: این در اعصار سابق تحقق داشته است که کمبود امکانات عادتاً مانع از رفع ملازمه بین آن دو بوده است؛ وگرنه با امکانات امروز می‌توان ملازمه بین آن دو را از بین برد که در این صورت انقلاب با تغییر عنوان موضوع نجاست مطهر است و فقط با نجاست عرضی متنجس می‌شود؛ مگر این که دلیل تعبدی وجود داشته باشد که با وجود عامل تنجیس نجاست عرضی نخواهد داشت. بنا بر این مطهرات انقلاب غیر از مواردی که دلیل تعبدی دارند، منحصر در این موارد نخواهد بود. با توجه به این بیان باید همه این هشت مورد را بررسی کنیم تا معلوم شود کدام یک از آنها دلیل بر طهارتشان با وجود ملازمه با عامل تنجیس وجود دارد؛ چون در آنها به حسب نظام وجودشان این ملازمه محقق است.

مورد اول: سرکه منقلب از خمر

این بحث به صورت موجیه جزئی است؛ چون شرایط آن را در مقام بعد می‌آوریم. شش دلیل برای مطهریت انقلاب در این مورد وجود دارد:

دلیل اول: اجماع؛

دلیل دوم: روایاتی که درباره این مسأله وارد شده است و دلالت بر طهارت سرکه منقلب از خمر دارند.

دلیل سوم: روایاتی که دلالت بر حلیت نوشیدن سرکه دارند.

چون اطلاق دارند شامل سرکه منقلب از خمر می‌شوند و به دلالت التزامی دلالت بر طهارت آن دارند؛ چون اگر طاهر نبود، شرب آن هم حلال نبود. فقها معمولاً به این روایات استدلال نکرده‌اند ولی ممکن است گفته شود محقق اردبیلی در اطعمه و اشربه به آنها استدلال کرده باشد.

دلیل چهارم: سیره متشرعیه

در همه مذاهب اسلامی که اعتقاداً سرکه را حلال می‌دانند و عملاً آن را می‌خورند که دلالت بر حلیت آن دارد و به دلالت التزامی دال بر مطهریت انقلاب است.

پنجم: سیره متشرعیه بر معامله طهارت با سرکه

بسیاری از فقها مثل محقق خوئی و حکیم و صاحب جواهر به این دو سیره استدلال نکرده اند؛ ولی در بعضی از توابع مسأله به آن تمسک کرده اند. مثلاً گفته اند: ظرفش پاک است که دلالت بر پاکی خودش دارد.

ششم: اصل

که فاضل هندی در کشف اللثام^[11] به آن استدلال کرده است. البته این اصل را به چند تقریب میتوان بیان کرد که در آن صورت از شش دلیل بیشتر میشود.

اول: اجماع

اجماع یا محصل است یا منقول که تحصیل اجماع در این زمان برای ما معمولاً ممکن نیست؛ چون همه فقها در اعصار گذشته کتاب نداشتند و آنها هم که کتاب نوشته بودند؛ کتبشان به دست ما نرسیده است. پس باید به علمایی مثل علامه، محقق (لسان القدما)، شهید اول^[12] و شهید ثانی (رحمهم الله) که آرای فقهای گذشته را جمع آوری کرده اند، رجوع کنیم^[13]. پس تحصیل اجماع آسان نیست؛ مگر در مسائلی که نیاز به اجماع ندارند؛ مثل وجوب نماز ظهر. بنا بر این اگر صغرای اجماع درست شود، بسیار مفید است؛ ولی این اشکال صغروی اجماع محصل را از حجت می اندازد.

بررسی قول به اجماع

کلام صاحب مفتاح الکرامه در حاشیه متن قواعد علامه یعنی: «و يطهر الخمر بانقلابه خلا» این است:

«اجماعاً كما في المنتهى و المهدّب البارع و شرح الفاضل و نفی عنه الخلاف المقدّس الأردبیلی فی المجمع تارة و ادّعی علیه الإجماع اخرى»^[14]

پس فقط در این کتابها که نام برده شد ادعای اجماع شده است و در کتب دیگری که به دست مرحوم عاملی رسیده ادعای اجماع نشده است. بنا بر این ادعای اجماع در این مسأله از زمان علامه شروع شده است و فقهای بعد هم از او تبعیت کرده اند.

عبارت علامه درمنتهی^[15] این است:

«الخامس: الخمر إذا انقلب بنفسه طهر و هو قول علماء الإسلام الى ان قال و أمّا إذا طرح فيها شيء طاهر فانقلب خلا طهر عند علمائنا، خلافاً للشافعي.»

کلام مهذب^[16] عبارت است از:

« الخمر تطهر بانقلابها خلا إجماعاً »

عبارة مجمع الفائدة و البرهان^[17] این است:

« و من المطهرات، الاستحالة (بصيرورة) الخمر خلا عند القائلين بنجاستها إذا كانت بنفسها أو بالعلاج بنحو الخلّ القليل. دليل الأول إجماع المسلمين و الثاني إجماعنا قاله فى المنتهى. »

همچنین در جای دیگری آورده است:

« و الظاهر عدم الخلاف و الإشكال فيما إذا انقلبت بنفسها، لعل دليله الإجماع و عموم أدلة حلّ الخلّ و بعض الروايات^[18]. »

وصلی الله على محمد وآل محمد.

[1] - هر چند فقط این 8 مورد را یافته‌ایم؛ ولی این استقراء تام نبوده است.

[2] - كل شيء منقلب من الخمر ولو لم يكن خلا.

[3] - الخل المنقلب من مسكر.

[4] - الخل المنقلب من العصير المغلى.

[5] - البته برخی هم قائل به حرمت اكل آن بدون حكم به نجاستش هستند.

[6] - الدرة النجفية (لبحر العلوم)؛ ص: 57.

[7] - الخل المنقلب من الفقاع.

[8] - الدبس المنقلب من العصير المغلى الذى لم يذهب ثلثاه.

[- القیح المنقلب من الدم. 9]

[- ج 2، ص 90. 10]

[11] و يطهر الخمر بالانقلاب خلًّا بالنصوص و الإجماع و الأصل. كشف اللثام و الإيهام عن قواعد الأحكام؛ ج 1، ص: 466.

[12] از استاد حائری و دیگر اساتید نقل شده که فتاوی دروس و لمعه شهید اول فتاوی مشهور است.

[13] البته برای دست یافتن به اقوال فقها می توان به مفتاح الکرامه مرحوم عاملی مراجعه کرد.

[مفتاح الکرامه فی شرح قواعد العلامة (ط - الحديثه)؛ ج 2، ص: 220] 14

[15] منتهی المطلب فی تحقیق المذهب؛ ج 3، ص: 219.

[16] المذهب البارع فی شرح المختصر النافع؛ ج 4، ص: 240

[17] مجمع الفائدة و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان؛ ج 1، ص: 354.

[18] همان، ج 11، ص 289.